

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد اکبر قریشی
۱۷ اکتوبر ۲۰۱۸



اخلاق اجتماعی و تعلیم و تربیه از کشور رخت بسته است

افغانستان یک ساختمان اجتماعی مثبت داشت، تعلیم و تربیه از فامیل ها شروع می شد که آنها اولاد های سالم در جامعه تقدیم می کردند. بعداً روانه مکتب شده آنموقع وظیفه معارف کشور بود تا روابط بین اجتماع و مکاتب را تقویت نماید و استادان اخلاق اجتماعی را در معارف تدریس می کردند تا شاگردان بیاموزند.

بعد از بین رفتن سردار داوودخان شیرازه اخلاق اجتماعی آهسته آهسته ضعیف شده رفت. در زمانی که ما در مکتب درس می خواندیم استادان ما برای ده دقیقه راجع به اخلاق اجتماعی با ما صحبت می کردند و می گفتند که باید به بزرگان و ریش سفیدان، به زنان و اطفال و به پدران و مادران تان احترام داشته باشید تا مردم شما را قدر کنند. اما وقتی که وطنفروشان، جاسوسان اجنبی در وجود خلق و پرچم و تنظیم های اخوانی چه از ایران و چه هم از پاکستان در کشور ما روی کار آمدند که شما خود می توانید قضاوت کنید که اخلاق اجتماعی تا چه اندازه و به چه سطحی یعنی در سطح کوچه و بازار پائین آمده است به اندازه ای که رئیس جمهور در ارگ، کارمندان دولتی خود را دو می زند و دشنام می دهد به همین ترتیب در پارلمان یک وکیل با وکیل دیگر تا سرحد لت و کوب پیش می رود. شما فکر کنید که مردم عوام، شاگردان مکاتب، دکانداران، کسبه کاران از این ها چه یاد می گیرند.

اخلاق نیک اجتماعی در پوهنتون، مکاتب، تلویزیونها، میزهای مدور، کنفرانس ها و کوچه و بازار روز تا روز از بین می رود. ما در فیسبک ها و مجالس خصوصاً در شهر کابل شاهد هستیم که احترام بین خواهر و برادر، زن و شوهر، احترام به همسایه، معلم، و در ادارات بین آمر و زیر دست به کلی از بین رفته است و بد اخلاقی دامنگیر مردم افغانستان شده می رود. این روش در دانشگاه ها و مکاتب و زندگانی عادی روزمره مردم دامن زده می شود. علت اصلی آن ارزشهای سیستم سرمایه داریست که امپریالیستها طبق پلان جانشین ارزشهای خوب انسانی ما کرده اند.

راه و روش مثبتی که داشتیم بعد از چندین سال جنگ در وطن ما از بین رفته است. این را هم می دانیم در کشوری که سیستم، پلان و قانون اجتماعی درست وجود نداشته باشد، مردم و فرزندان یک جامعه راه های منفی را پیموده می روند. طوری که ما می بینیم، مهاجران از راه ایران و ترکیه به طرف اروپا آمده اند آنها با اوضاع ناهنجار کشور، فشار های زیاد مهاجرت و درگیری و دوری از فامیل از اخلاق اجتماعی دور مانده اند.

فکر می کنم که آرزوی ما وطنپرستان از دانشمندان، استادان دانشگاه ها و مکاتب، تلویزیون ها، انجمن های ادبی، بزرگان قوم، وزارت معارف و تحصیلات عالی این است که به جای تبلیغات بیجا و پور گوئی های بی مورد باید راجع به اجتماع و اخلاق اجتماعی صحبت نمایند تا نسل های آینده کشور ما مثل نسل امروز به راه منفی نروند. اینست وظیفه ایمانی و وجدانی ما. ما همه در مقابل اولاد وطن مسؤلیت داریم.

امروز در کشور ما بچه بازی، قمار زدن، مواد مخدر اعم از هیروئین، چرس و تریاک و ... دامنگیر اولاد کشور ما شده است. دولت فاسد در عوض این که جلوی هر گونه فساد را بگیرد به عکس می گذارد که مردم غرق فساد و پرابلم شوند تا آنها به خیانت، وطنفروشی و جنایات خود همانطور ادامه بدهند. مملکت به سوی بربادی می رود، داعش و طالب از جوانان سوء استفاده می کنند و هر روز با کشت و کشتار مردم را به ماتم عزیزان شان می نشانند.

اگر ما یک دولت مردمی و غمخور می داشتیم هرگز روزگار فرزندان کشور به این حال نمی رسید و خاک ما به دست ناکسان نمی افتاد. جنایات بشری را که ملا های پلید و پست مانند ملا لندی و صدها اخوانی دیگری که در تمام شهرها، دهات و قصبات کشور ما مرتکب می شوند، خود گواه آنست که بر سر مردم و به خصوص جوانان این کشور چه می گذرد.

دولت دست نشانده در ارگ و دارو و دسته اش در وزارتخانه ها و پارلمان با خیانت و وطنفروشی و چور و چپاول اوضاعی را در کشور به وجود آورده اند که در مقابل آن دو و دشنام و لت و کوب و ده ها بی احترامی دیگری که میان آنها رخ می دهد هیچ ارزشی ندارد. مگر هیچ جای شکی نیست که تأثیرات اخلاقی و وجدانی آن جامعه را فرا نگیرد. پس در چنین شرایط آرزوی ماست که جوانان کشور آگاه شوند و متحداً نگذارند که بیشتر از این کشور و مردم ما در منجلاب کثافات امپریالیستها و دولت دست نشانده غرق شوند.